

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۴/۲۴

نگاهی بر نقش و عملکرد مطبوعات کشور در آستانه انقلاب اسلامی ایران

نوشته

سیدعلی مرتضوی امامی*

چکیده

ایجاد و گسترش وضعیت انقلابی در ایران را باید در نتیجه معایب و نارسایی‌های موجود در خود دستگاه سلطنتی جست‌وجو کرد که عزم جزم کرده بود تا کشور را هرچه سریع‌تر در بزرگراه توسعه به پیش ببرد. آشفتگی و جابه‌جایی اقتصادی ناشی از توسعه سریع، حس بیگانگی شدید را در میان توده‌های شهری دامن زد. آشفتگی‌های سیاسی و اقتصادی، شرایطی انقلابی ایجاد نمود که منتهی به تظاهرات، حمله به پلیس، نافرمانی‌های عمومی و اقدامات افراطی گردید. در این میان نقش مطبوعات داخلی در ترسیم اوضاع انقلابی و حوادث مرتبط با آن، پررنگ بود. در این مقاله تلاش خواهد شد ضمن بررسی اوضاع نامطلوب ایران در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۶، به این سؤال پاسخ داده شود که رویکرد مطبوعات داخلی این دوره به این رویدادها چه بوده است؟

کلیدواژه: مطبوعات، شاه، مردم، رهبری، شریف امامی، ازهارری، بختیار.

مقدمه

بررسی مطبوعات و عملکرد آن‌ها در هر جامعه‌ای یکی از معیارهای لازم برای بازکاوی حوادث سیاسی و جریان‌های اجتماعی و فرهنگی در آن جامعه است، مطبوعات و رسانه‌ها به‌عنوان نقش اساسی جامعه اصلی‌ترین ارکان آگاهی‌بخش و اطلاع‌رسان می‌توانند در پویایی ذهن و بیداری اذهان خفته جامعه نقش اساسی داشته باشند. در جوامعی که آرمان‌های انقلابی در سر می‌پرورانند، اگر مطبوعات بخواهند در راستای افکار و خواسته‌های مردم حرکت کنند، یا سرکوب می‌شوند (تعطیل) و یا باید به‌گونه‌ای عمل کنند که اقدامات ناموجه دولت سلطه‌گر را مفید و سازنده جلوه دهند. انقلاب و جنبش اجتماعی- فرهنگی یک جامعه پدیده‌ای است که تمام ارکان نظام اجتماعی را به واکنش برمی‌انگیزد و در این راستا نقش مطبوعات و رسانه‌های دیداری و شنیداری پررنگ‌تر خواهد شد.

دهه ۱۳۲۰ به‌ظاهر دوران آزادی مطبوعات در ایران است. در این دهه به دلیل فروپاشی استبداد رضاخان، نهادهای سرکوب به‌طور کلی در موضع ضعف قرار داشتند. از ویژگی‌های قابل توجه مطبوعات در دهه ۱۳۲۰، گرایش آنان به سمت احزاب سیاسی مختلف است. از اوایل دهه ۱۳۲۰ صف‌بندی‌های سیاسی به عرصه مطبوعات ایران نیز کشیده شد و مطبوعات ایران به دو گروه چپ و راست تقسیم شدند و در برابر یکدیگر به صف‌آرایی پرداختند. مطبوعات راست‌گرا حامی و طرفدار سیاست انگلستان و مطبوعات چپ‌گرا هوادار "حزب توده ایران" و دنباله‌رو و تأییدکننده سیاست‌های اتحاد جماهیر شوروی بودند. در اواخر دهه ۱۳۲۰ به دلیل حضور بیشتر مردم در صحنه مبارزات ملی کردن صنعت نفت فعالیت روزنامه‌نگاران بیشتر شد؛ اما این فزونی به دلیل غیبت ممیزی و سانسور نبود. در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق در مقایسه با دولت‌های پیشین، مطبوعات و کتب آزادی بیشتری داشتند. اما در پی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حکومت مصدق سقوط کرد و در نتیجه آن، اجرای قوانین مطبوعاتی نیز به حالت تعلیق درآمد و بار دیگر فشار بر مطبوعات آغاز شد.

رژیم پهلوی به موازات قدرت‌گیری، کنترل خود را به مطبوعات و انتشار کتب و نشریات شدیدتر می‌کرد و هر روز ادارات تازه‌ای را در این عرصه ساماندهی و فعال می‌نمود. رژیم پهلوی تا اوایل دهه ۱۳۴۰ وجود تشکیلات سانسور در ایران را تکذیب می‌کرد؛ اما از اواسط دهه ۱۳۴۰ ساماندهی کنترل و سانسور کتب و نشریات یکی از روش‌هایی بود که توسط کارگزاران رژیم برنامه‌ریزی شده بود. یکی از ضروریات اجتناب‌ناپذیر در مرحله سامان دادن به امر ممیزی و سانسور کتب و نشریات، وجود گروهی سانسورچی ورزیده و آموزش‌دیده بود. تلویزیون ملی ایران نخستین تشکیلاتی بود که اقدام به تربیت سانسورچی می‌کرد. این جریان در تمام طول مدت حکومت پهلوی وجود داشت و روزنامه و مطبوعات به‌طور کلی یکی از سیاست‌های رژیم خط‌مشی دریافت می‌کردند.

پرسش اصلی اینجاست که در این جو انقلابی و با توجه به سانسور شدید مطبوعاتی، رویکرد مطبوعات در قبال اوج‌گیری انقلاب مردم ایران در سال ۱۳۵۷ چه بوده است؟

۱. شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران قبل از انقلاب

۱.۱. اوضاع اقتصادی

بحران اقتصادی از حدود سال ۱۳۵۴ آغاز شد و به‌تدریج تا سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۵ عمیق‌تر گردید. این نخستین بحران عمده اقتصادی ایران از زمان انقلاب سفید، یعنی اوایل دهه ۱۳۴۰ بود. درست همان‌طور که افزایش عظیم قیمت نفت بر اثر اقدام ۱۳۵۲ اوپک موجب شد تا دولت ایران در برنامه سرمایه‌گذاری سال ۱۳۵۳-۱۳۵۲ خود تجدیدنظر کند و میزان سرمایه‌گذاری را تا ۸۹ درصد افزایش دهد. با کاهش تقاضای جهانی نفت در سال ۱۳۵۴ که خود ناشی از افزایش زیاد قیمت این ماده بود، دوره رونق اقتصادی ایران نیز به پایان آمد. درآمدهای سرشار نفت که

از ۱۳۵۲ به اقتصاد کشور تزریق شد، تورم را افزایش داد. با ورود تعداد فراوانی غیرایرانی به ایران قیمت مسکن به شدت ترقی کرد، درحالی که جمعیت شهرها بر اثر مهاجرت شدید روستاییان نیز بیش از حد افزایش می یافت، بورس بازان و دلان قیمت های اجاره خانه را بالا بردند. در نیمه سال ۱۳۵۶ به دنبال سیاست های ضدتورمی دولت جمشید آموزگار، بحران کسادی به اوج تازه ای رسید. ایران ناچار شد بار دیگر ۲ میلیارد دلار از بانک های غربی وام بگیرد تا کسری تراز پرداخت ها را جبران کند. دولت به کاهش بودجه اقدام کرد، مقاطعه کاری ها را لغو نمود، طرح های ساختمانی تعطیل شد، یا روند آن به کندی گرایید (فورن، ۱۳۸۹: ۵۵۷). دولت ایران که حاضر نبود نفت خود را به قیمت پایین در حد عربستان سعودی عرضه کند، از میزان تولید کاست. واردات نیز کاهش یافت. هالیدی می گوید: در سال ۱۳۵۶ ایران به جای روبه رو شدن با بحران اقتصادی واقعی با نوعی کاهش رشد یا کسادی روبه رو بوده است.

۲.۱. اوضاع سیاسی و اجتماعی

همزمان با بحران اقتصادی، سیاست فضای باز سیاسی رژیم شاه نیز آغاز شد و جو سیاسی جامعه به سوی آزادتر شدن رفت. شاه که می خواست به تقاضای طبقه متوسط دایر بر مشارکت سیاسی جامعه عمل ببوشاند و گروه های بین المللی حقوق بشر و دولت تازه روی کار آمده کارتر نیز برای اعطای آزادی بیشتر به مردم وی را زیر فشار گذاشته بودند، تصمیم گرفت حدی از انتقاد را تحمل کند و از حدت و شدت سیاست های افراطی خود بکاهد. حدود ۳۵۷ زندانی سیاسی آزاد شدند و شکنجه "کاهش یافت" (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۱۲). صلیب سرخ بین الملل اجازه یافت از ۲۰ زندان کشور بازدید کند و حدود اختیارات دادگاه های نظامی به موجب قوانین جدید محدود شد. واکنش جامعه در برابر این فضای باز بیش از حد مورد انتظار بود و این خود نشان می داد که در فاصله سال های ۱۳۳۲-۱۳۵۶ نیروهای اجتماعی تا چه حدی زیر فشار اختناق بوده اند، تعدادی نامه سرگشاده توسط افراد ناشناس و گروه های روشنفکر به دولت نوشته شد که در آنها اجرای قانون اساسی، مراعات حقوق بشر و آزادی های فردی، انتخابات و مطبوعات آزاد تقاضا شده بود. در بهار و تابستان ۱۳۵۶ جبهه ملی، نهضت آزادی ایران، حزب توده و فداییان خلق، آشکارا به تبلیغ سیاسی می پرداختند (فوکو، ۱۳۷۹: ۱۲۳). در پاییز سال ۱۳۵۶ ساواک بار دیگر فعال شد. با ایجاد رعب و وحشت و زدن ناراضیان و بر پا کردن محاکمه های نظامی مخفی کوشید با موج ناراضیاتی ها به مقابله برخیزد. مردم در فوت سید مصطفی خمینی فرزند امام راحل در عراق نیز، ساواک را مقصر دانستند. ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ رژیم مرتکب خطای فاحشی شد و با چاپ نامه ای در روزنامه اطلاعات به امام خمینی توهین کرد و او را هندی تبار، «مرجع قرون وسطایی»، وابسته به امپریالیسم انگلستان، نویسنده اشعار عاشقانه جوانی و... معرفی کرده بود (رجبی، ۱۳۸۷: ۶۵). مردم در تهران به ساختمان روزنامه حمله بردند، روز ۱۹ دی در قم بازارها و مدرسه های دینی بسته شد و مردم یک رشته خواسته های

سیاسی خود را مطرح کردند. رژیم با یک رشته ضد تظاهرات در ۲۰ دی در قم، تبریز، روزهای ۲۸ و ۲۹ دی در شهرهای خوزستان و ۶ بهمن سالروز انقلاب سفید به این تظاهرات مردمی پاسخ داد. بنا به گزارش مطبوعات، دولت با آوردن دهقانان، کارمندان و دانشجویان جمعیت لازم برای تظاهرات را تأمین می‌کرد (استمپل جان، ۱۳۷۷: ۴۴). دولت، آمادگی اعتراض‌های ادواری را که به مناسبت چهلم‌ها برگزار می‌شد، نداشت. با برگزاری چهلم شهیدان تبریز در بهار ۵۷، در بیش از ۵۵ شهر بار دیگر مردم با پلیس درگیر شدند. در یزد مردم از مسجد به سوی کلاتری‌ها حرکت کردند و بیش از یکصد نفر در درگیری با پلیس کشته شدند. در ماه‌های خرداد تا مرداد سال ۱۳۵۷ اوضاع کشور جوی آرام داشت؛ شاه برنامه مبارزه با گرانفروشی را کنار نهاد، نمایش فیلم‌های مستهجن را ممنوع ساخت، رئیس ساواک را تغییر داد و وعده داد انتخابات مجلس آینده صددرصد آزاد باشد. برای مهار تورم، اقتصاد در حال انقباض بود، تعدادی اعتصاب نیز با انگیزه‌های اقتصادی برگزار گردید، اما در اواخر ماه (مردادماه) هنگامی که پلیس مشهد به روی عزاداران آتش گشود و بیش از چهل نفر را کشت، جو آرام نیز با برگزاری مراسم عزاداری شهیدان بر هم خورد (کلرو بریر و بلانشه، ۱۳۵۸: ۱۶۰). این رویدادها با ماه رمضان مصادف شد و درگیری‌ها و تظاهرات تازه‌ای بر پا گردید. برخوردها و تظاهرات در تعدادی از شهرها از سر گرفته شد.

بزرگ‌ترین حادثه غم‌انگیز سال ۱۳۵۷ آتش گرفتن سینما رکس آبادان بود. در پی این فاجعه در سرتاسر ایران، رژیم و ساواک مسئول اصلی شناخته شدند. ده‌ها هزار عزاداری که آشنای خود را از دست داده بودند، شاه را مقصر این رویداد می‌دانستند. شاه در واکنش به این حادثه‌ها جعفر شریف امامی را که گرایش دینی بیشتری داشت، به جای جمشید آموزگار به نخست‌وزیری برگماشت. شریف امامی به‌فوریت یک رشته امتیاز به مردم داد که عمدتاً رنگ مذهبی داشت و حساب‌شده بود (محمدی، ۱۳۷۵: ۳۴). از میان برداشتن تقویم شاهنشاهی، بر کنار نهادن پاره‌ای از بهاییان از پست‌های دولتی، بستن قمارخانه‌ها (کازینوها)، تصویب قانونی مبنی بر رسیدگی به فساد خاندان سلطنت، ایجاد وزارت امور دینی و حذف پست وزارت امور زنان را می‌توان نام برد. شاه نیز حزب رستاخیز را منحل ساخت، آزادی بیشتری برای مطبوعات قائل شد و وعده داد انتخابات نیمه سال ۱۳۵۷ با آزادی کامل برگزار شود. روز ۷ شهریور روزنامه‌های کثیرالانتشار تصویر بزرگ و تمام صفحه‌ای از امام خمینی (ره) در صفحه اول چاپ کردند و این نشان می‌داد که دولت قصد دارد باب مذاکره را باز کند. امام خمینی (ره) پاسخی نداد و شریعتمداری هم طی چند روز بعد همین کار را کرد (مالرو، ۱۳۶۵: ۲۴). رویدادهای ماه شهریور- مهر ثابت کرد که روند انقلاب برگشتنی نیست. به علت کشتار مردم در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، این روز را جمعه خونین نامیدند. در واقع، جمعه خونین اعلان جنگ مستقیم دولت به مردم بود. شاه صدها چهره سیاسی را دستگیر کرد. از ۱۸ شهریور اعتصاب بلندمدت کارگران شرکت نفت آغاز شد. روزبه‌روز امکان رسیدن به یک مطالعه غیرواقعی‌بینانه‌تر می‌شد (کازیوروسکی،

۱۳۷۱: ۵۲). اعتصاب‌ها ادامه یافت و در طی ماه‌های مهر- آبان گسترش بیشتری پیدا کرد. نفتگران، کارمندان ادارات دولتی، کارکنان راه‌آهن و پست، کارکنان بیمارستان‌ها، مطبوعات و کارگران بسیاری از کارخانه‌ها سراسر کشور به اعتصاب پیوستند. حالا دیگر تقاضاها رنگ اقتصادی خود را از دست داده بود و ماهیت سیاسی پیدا کرده بود. اعتصابگران خواستار آزادی مطبوعات و سرنگونی نظام پهلوی بود. ماه‌های آذر- دی برای مخالفان رژیم ماه‌های تعیین‌کننده‌ای بود. دعوت امام خمینی(ره) به اعتصابات و تظاهرات در جریان ماه محرم در حد گسترده‌ای با استقبال مردم روبه‌رو شد. روزهای تاسوعا و عاشورا تظاهرات عظیمی در سراسر کشور برگزار گردید. اعتصاب‌ها و تظاهرات به‌رغم سرکوب و کشتار مردم توسط ارتش ادامه یافت. هنگامی که ارتشید از هاری دچار حمله قلبی شد، شاه تصمیم گرفت به‌منظور استفاده از تعطیلات کشور را ترک کند و شاهپور بختیار از رهبران جبهه ملی را به نخست‌وزیری برگماشت. بعد از آنکه مجلس شورای ملی به بختیار رأی اعتماد داد، وی بی‌درنگ یک رشته امتیازها از جمله لغو کامل سانسور، آزاد کردن زندانیان سیاسی، انحلال بخش داخلی ساواک، منع فروش نفت به آفریقای جنوبی و اسرائیل را اعلام کرد و گفت: ایران دیگر ژاندارم خلیج فارس نخواهد بود و جز سلاح‌های مورد نیاز را خریداری نخواهد کرد. واکنش مردم باز هم توقف کارها به‌صورت اعتصاب‌های عمومی سراسر کشور و تظاهرات پشت‌سر هم بود. این تظاهرات تا آمدن امام(ره) به ایران در ۱۲ بهمن ادامه یافت. و روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ امام خمینی(ره) به دنبال سیزده سال دوری از وطن، پیروزمندانه به کشور بازگشت.

۵

۲. واکنش مطبوعات در برابر اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران در

سال ۱۳۵۷

مطبوعات ایران در اواخر دوران نخست‌وزیری هویدا به‌طور کلی وابسته به رژیم آمریکایی شاه بود و روزنامه‌ای که بریده از وابستگی رژیمی باشد، باقی نمانده بود. این وضع تا مراحل ابتدایی انقلاب اسلامی به همان صورت باقی بود. پس از آنکه انقلاب اسلامی رفته‌رفته حضور علنی خود را در جامعه به نمایش گذاشت (شروع دوران حکومت شریف امامی)، آمریکا مجبور شد به نیروهایی که خارج از سیستم حکومتی شاه ولی غربزده و آمریکاپسند بودند، روی خوش نشان داده و به آن‌ها میدان بدهد. لذا در این برهه از زمان اشخاص بسیاری که در سال‌های گذشته به عللی نتوانسته بودند وارد صحنه سیاست شوند، تقاضای انتشار نشریه کردند (بدیعی، ۱۳۷۶: ۷۰۵) و این جریان جدید تا زمان حکومت نظامی از هاری، یعنی ۱۵ آبان ماه ۱۳۵۷ ادامه یافت؛ این دوران (دوران نخست‌وزیری شریف امامی و از هاری)، به سبب خصلت انتقادی بودنش و مشخص نبودن سیاست کلی و تنظیم‌ناشدگی روابط، باعث شد که تعدادی از مطبوعات به نوشتن گوشه‌هایی از واقعیات، منتها در خط و ربط آمریکا و پر و بال دادن به

ملی‌گراها، نیروهای چپ‌گرا و هواداران حکومت دموکراتیک بپردازند و در مقابل، تمام تلاش خود را مصروف این کردند که تا آنجا که می‌توانند از رنگ و محتوای اسلامی انقلاب بکاهند. تا اینکه جریان اعتصاب مطبوعات پیش آمد، اعتصابی که بعدها از آن، به‌عنوان بزرگ‌ترین سند مبارزه چماقی ساختند و بر فرق اسلام و انقلاب اسلامی کوبیدند (هویدا، ۱۳۷۶: ۳۵) در این زمان از طرفی واقعیات موجود انقلاب اسلامی به رژیم حکم می‌کرد که مطبوعات منتشر نشوند، زیرا دولت از هزاری وظیفه ایجاد آرامش و زمینه لازم برای یک دولت به‌اصطلاح "دموکراتیک" را داشت و از طرف دیگر، عدم انتشار مطبوعات و اعتصاب خود آن‌ها، وسیله‌ای برای بیشتر به زیر سؤال رفتن رژیم بود. جریان تعطیلی مطبوعات تا روی کار آمدن بختیار ادامه یافت. در زمان این شخص، از اولین بخشش‌های دموکرات‌منشانه ایشان، فرمان آزادی مطبوعات بود که به‌عنوان شکستن اعتصاب قلمداد شد، ولی از آنجا که هر حرکت رژیم در جهت باقی ماندن در مواجهه با حرکت اسلامی توده‌های مردم تحت رهبری امام خمینی (ره) به ضد آن تبدیل می‌شد، این شکست اعتصاب نیز همچون وسیله‌ای ضد حکومت بختیار به کار گرفته شد. به‌هرحال، در این دوران عمده‌ترین کاری که مطبوعات انجام دادند، تصفیه‌های ظاهری در درون هیئت‌های تحریریه برای حفظ وجهه و ادامه راه ناپاکشان در دوران انقلاب بود. در تابستان سال ۵۷ مبارزات حق‌طلبانه مردم مسلمان ایران همچنان رو به گسترش بود تا جایی که رشد فزاینده آن پس از مدت کوتاهی تمام توده‌های مردم را در سراسر کشور فراگرفت و همچون جریانی قوی و بنیان‌کن، پایه‌های نظام استبدادی و وابسته را به لرزه درآورد (عاقلی، ۱۳۷۸: ۲۸). در این زمان آمریکا و رژیم وابسته به شاه و حامیان آن‌ها، با توسل به شیوه‌های جدیدی بر آن شدند تا از تعمیق انقلاب اسلامی و گسترش آن به دیگر گروه‌ها و اقشار بی‌تفاوت جامعه جلوگیری کرد و انقلاب اسلامی را از مسیر اصلی آن که سرنگونی نظام شاهنشاهی و استقرار نظامی بر پایه اصول و ضوابط اسلامی بود، منحرف سازند (محمدی، ۱۳۸۸: ۲۰).

رژیم سلطنتی شاه برای تحکیم روابط سیاسی و وابسته خود با آمریکا و صهیونیسم و تقویت بنیان‌های قدرت، تضعیف اسلام و نهادهای مختلف مرتبط با آن را در دستور کار خود قرار داده بود. تأکید بر عزت‌گرایی و غربردگی و بزرگداشت باستان‌گرایی در راستای تضعیف باورها و آموزه‌های دینی و نهادهای دینی بود تا جایی که حتی اقدام به تغییر تاریخ هجری شمسی و جایگزینی تاریخ شاهنشاهی نمود (محمدی، ۱۳۸۸: ۲۱). یکی از شیوه‌هایی که آمریکا و رژیم شاه برای سرکوب خواسته‌های مردم به کار بردند، استفاده از حداکثر ظرفیت تبلیغاتی کشور به‌ویژه مطبوعات در جهت مبارزه با انقلابیون بود.

۱.۲. تقسیم‌بندی مطبوعات (نشریات) در سال ۱۳۵۷

وابستگی گردانندگان این نشریات بدو صورت بود: یا مستقیم وابسته به سفارت آمریکا و سازمان سیا و انگلیس بودند و یا از اطرافیان و وابستگان آن‌ها محسوب می‌شدند و این موضوع

از سوابق و اسامی گردانندگان آن‌ها در آن زمان کاملاً مشهود است؛ برای نمونه، مؤسسه کیهان: مصباح‌زاده، اطلاعات: سناتور مسعودی، آیندگان: داریوش همایون، خواندنی‌ها: امیرانی و رستاخیز هم که ارگان حزب شاه بودند. مطبوعات در این مرحله نخست به دفاع از شاه برخاستند و وقتی آمریکا از این مهره خود قطع امید کرد و یا دست‌کم او را برای مدت زمانی ناکارا تشخیص داد، شروع به جریان‌سازی وسیعی در انحراف افکار عمومی و تحریف شعارهای اصیل انقلاب اسلامی و تضعیف رهبری کردند (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

۲.۲. ۲. مطبوعات در دوره شریف امامی

با روی کار آمدن دولت شریف امامی در پنجم شهریور ماه سال ۱۳۵۷، مطبوعات کشور مرحله جدیدی را در ایفای نقش وابستگی پیش گرفتند و برای مقابله با انقلاب اسلامی از شیوه‌های تبلیغاتی مشابهی استفاده می‌کردند. نتایجی که از بررسی سه‌ماهه مطبوعات زمان شریف امامی به دست آمده، بدین ترتیب است که مطبوعات در این دوره ۱۱ جبهه تبلیغاتی ضدانقلاب گشودند و سعی داشتند از طریق آن‌ها به جریان انقلاب اسلامی حمله کنند و شکل‌گیری آن را به تأخیر اندازند (برزین، ۱۳۷۱: ۴۲).

یازده جبهه یادشده بدین شرح است:

۲.۲. ۱. طرح جریان‌ها، خطوط و شخصیت‌های انحرافی و سازشکار و در نهایت مورد اعتماد آمریکا، جهت ایجاد مهره‌های احتمالی برای آینده

همزمان با گسترش موج انقلاب اسلامی در میان توده‌های مردم، کار مطبوعات در بزرگ کردن مهره‌ها و جریان‌ات خاصی به اوج خود می‌رسد. در این میان می‌توان از جبهه ملی نام برد که مطبوعات سعی داشتند نقش اساسی انقلاب اسلامی را به آن بدهند، در حالی که کمترین نقش را داشته و حتی می‌توان گفت که در اثر انزوای سیاسی هیچ نقشی نداشته است. این ترفند مطبوعات مورد استفاده فراوان قرار گرفت؛ زیرا به عقیده رژیم با بزرگ کردن چنین جریان‌ی امکان بیشتری به وجود می‌آمد تا از انتقال قدرت به جریان‌ی که محق رهبری است، جلوگیری کند و در نهایت، خطر موجود را از رژیم شاهنشاهی رفع کند. در این دوره حرکات جبهه ملی و سخنان دکتر سنجابی، عنوان اول روزنامه‌هاست و به‌عنوان نیروی اصلی و رهبری‌کننده انقلاب معرفی می‌شود (اللهیاری، ۱۳۸۷: ۷۹).

۲.۲. ۲. حذف، تحریف و سانسور شعارهای اسلامی انقلاب اسلامی

یکی دیگر از اعمال مهم روزنامه‌ها در این دوره تغییر و تحریف شعارهایی بود که توسط مردم در تظاهرات میلیونی عنوان می‌شد و گاهی نیز شعارهای فرعی و انحرافی خودساخته را به مردم نسبت می‌دادند تا بدین وسیله افکار عمومی مردم را که در جهت براندازی نظام سلطنتی بسیج شده بود، به

مسائل فرعی و کم‌اهمیت‌تری مثل ملی‌گرایی، تعویض دولت، آزادی بیان منحرف سازند و تا شاید رژیم استبداد بتواند چند صباحی بیشتر به حیات خود ادامه دهد (تزو، ۱۳۶۴: ۷۵).

۳. ۲. ۲. پراهمیت جلوه دادن نقش کمونیست‌ها در انقلاب برای زیر سؤال قرار دادن مشروعیت انقلاب اسلامی

در این مقطع از زمان، مطبوعات که از به کار بردن دیگر حيله‌ها، چندان سودی نبرده بودند، به بزرگ کردن نقش کمونیست‌ها، و مؤثر نشان دادن آن‌ها در انقلاب پرداختند و گاه انقلاب را وابسته به بلوک شرق معرفی می‌کردند. مطبوعات با استفاده از این شیوه حيله‌گرانه دو هدف را دنبال می‌کردند:

الف. بدبین کردن مردم نسبت به ماهیت انقلاب، سلب حمایت آن‌ها از انقلابیون واقعی و دلسرد کردن آن‌ها از شرکت در انقلاب (دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، ۱۳۸۷: ۲۴).
ب. به حق جلوه دادن سرکوب‌ها و کشتارهای رژیم در برابر افکار عمومی جهان، با این توجیه طبیعی که باید از دخالت بیگانگان جلوگیری کرد.

۴. ۲. ۲. کم‌مطرح کردن اعتصابات و تحریف خواسته‌های اعتصابیون

مطبوعات دوره شریف امامی برای تحریف واقعیت‌های انقلاب و وارونه جلوه‌دادن حرکات انقلابی مردم به تحریف اخبار مربوط به اعتصابات کارگران و کارمندان ارگان‌های حکومت وقت پرداخته بودند. مطبوعات آن زمان قصد داشتند با انتقاد از وضع دولت‌های سابق و یا حداکثر انتقاد از برخی عملکردهای دولت شریف امامی، دو هدف مرحله‌ای مردم، که همانا براندازی رژیم شاه بود، انحراف ایجاد کنند؛ نیز با تغییر دادن شعارهای اعتصابیون از سیاسی و کلی به جزئی و موضعی سعی در وارونه نمایاندن روابط اطلاعاتی مبارزاتی مردم نقاط مختلف کشور را داشتند. (کسمایی، ۱۳۷۰: ۶). بخشی دیگر از شگرد روزنامه‌ها به درج اخبار دروغ در مورد شکسته شدن اعتصابات و بازگشت اعتصابیون به محل کار مربوط می‌شود. در قسمتی از این تلاش مطبوعاتی سعی می‌شد تا خواسته‌های اعتصابیون، رفاهی جلوه داده شود و از طرف دیگر، پذیرش همان خواسته‌ها توسط دولت شریف امامی، که البته در نهایت، به شکسته شدن اعتصابات، به سبب اجرا شدن خواسته‌ها منجر می‌شد، منعکس شود.

۵. ۲. ۲. انعکاس اختلافات ساختگی درون حکومتی و تبلیغ روی آن

مطبوعات قسمت دیگری از سناریوی بزرگ جلوه‌دادن گروه‌ها و شخصیت‌ها را، برای گم کردن رهبری انقلاب اسلامی در ذهن مردم و عدم جهت‌گیری واقعی آن به درآوردند. بدین صورت که در کنار مطرح کردن مخالفت‌های گروهی چون جبهه ملی و افرادی مانند سنجابی و بازرگان با درج اظهارنظرها و مخالفت‌های جناح ساختگی رژیم (ضد رژیم) چه در مجلس و چه در بیرون از آن، آنچنان وسعتی به آن بخشیدند که اذهان مردم را از سوی رهبری واقعی حرکت

دور کرده و نقش رهبری را به سوی این جناح سوق دهند. همچنین، مطبوعات در ادامه عملکرد چهره‌سازی و شخصیت‌پردازی‌های کاذب برای انقلاب، به طرح نمایندگان به اصطلاح مخالف دولت در مجلس پرداخته و سعی در بزرگ جلوه دادن آن‌ها را داشتند (مدنی، ۲۵۰: ۳۶۱).

۶.۲.۲. بازتاب وسیع اصلاحات دولت شریف امامی

همزمان با اوج‌گیری نهضت اسلامی در تابستان ۵۷ رژیم شاه به منظور مقابله با خواسته‌های اساسی مردم دست به یک مجموعه تلاش‌های گسترده تبلیغاتی در جهت اصلاح سیاسی-اجتماعی زد و بر همین اساس وعده‌های گوناگونی در زمینه‌های مختلف اجتماعی-سیاسی و اقتصادی از سوی ارگان‌های رژیم به مردم داده می‌شد و مطبوعات نیز مسئولیت پخش سریع اخبار و مطالب مربوط به این‌گونه مسائل را بر عهده گرفته بودند، به این ترتیب، از اواسط تابستان ۵۷ تبلیغات در زمینه اصلاحات مذهبی، سیاسی و اجتماعی و تنبیه خاطیان نسبت به قانون اساسی، سود استفاده‌کنندگان از بیت‌المال، مفسدان اداری، برخی سرمایه‌داران و... در مطبوعات شکل گرفت (محمدی، ۱۳۶۰: ۴۵)

الف. اصلاحات مذهبی: رژیم شاه به خیال خود برای اینکه بتواند به اصطلاح مردم را خلع شعار نماید، وعده‌های اصطلاحی در زمینه مذهبی و رعایت شئون آن و حفظ حرمت روحانیت از طریق مطبوعات و دولت مطرح و تبلیغ نمود، در صدر این تبلیغات شخص شاه قرار گرفت، به این معنا که تمام این اصطلاحات!! از جانب شاه و توجه ایشان نسبت به علایق مردم انجام می‌پذیرد. در ادامه همین روش، بعد از تبلیغ اسلام‌خواهی و مردم‌دوستی برای شاه، مطبوعات به تطهیر دولت وقت پرداختند و سعی داشتند حس اسلام‌خواهی، و دوستی بین روحانیت و دولت شریف‌امامی را به مردم القا کنند. آزادی فعالیت احزاب قانونی، احترام به روحانیت و احکام اسلامی و دینی، تعقیب متجاوزان بیت‌المال، مجازات عاملان دولتی حوادث سیاسی از جمله کارکردهای دولت و مطبوعات در این راستا بود که هر دو به‌عنوان مکمل بودند.

ب. اصلاحات سیاسی: درحالی‌که شدت نارضایتی‌های مردم همچنان رو به اوج بود، به‌ویژه با حوادثی که در مرداد و شهریورماه به خود رسید و بازتاب آن‌ها در سطح جامعه و هر لحظه خطر بیشتری را برای سقوط رژیم شاه به ارمغان می‌آورد، رژیم ناپاورانه مجبور به اجرای اصلاحات سیاسی شد که مطبوعات نیز کوتاهی نکردند، برای ادای دین خود به رژیم، تبلیغات وسیعی را در این زمینه شروع کردند. این اصلاحات سیاسی در ابعاد آزادی فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، احزاب، مطبوعات و آزادی زندانیان سیاسی و ایجاد جامعه‌ای بر پایه مردم‌سالاری و... گسترش یافت (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۱۹۸). تبلیغات رژیم در مورد آزادی‌های مطبوعاتی، به نبود سانسور و پیدایی جو سیاسی مردم‌سالار بازمی‌گشت که دقیقاً عملی در جهت خلع شعار کردن مردم و القای این فکر بود که دیگر اختناق وجود نداشته و جای

هیچ‌گونه نگرانی نیست. بخشی از تبلیغات مطبوعات در زمینه اصلاحات سیاسی که شاید عظیم‌ترین آن‌ها نیز باشد، مربوط با فساد برخی مسئولان مملکتی و رسیدگی به سوءاستفاده‌های آنان و نیز تحت تعقیب قرار دادن برخی از آن‌ها، که رژیم برای حفظ خود تصمیم به قربانی کردن آن‌ها گرفته بود. تقریباً همه‌روزه تبلیغاتی در این زمینه صورت می‌گرفت. گونه‌ی دیگر تبلیغات در رابطه با اصلاحات اداری به کشف سوءاستفاده‌ها مربوط می‌شود که از طریق مطبوعات بزرگ شده و آن را همچون سدی در قبال حرکت انقلاب برپا داشتند.

ج. اصلاحات اقتصادی و رفاهی: سیاست دیگر تبلیغاتی رژیم شاه این بود که با القای خواسته‌های مادی و رفاهی اذهان مردم را از توجه به آرمان‌های اصلی انقلابی‌های اسلامی (که ساقط کردن رژیم یکی از این آرمان‌ها بود)، به سوی خواسته‌های مادی و اقتصادی منحرف کنند و انقلاب اسلامی را به بن‌بست بکشاند. طبیعی است اگر این فکر در مردم جا می‌افتاد، دولت جدید می‌توانست با عملی کردن این خواسته‌ها شور انقلابی را در توده‌ی مردم کم کرده و انقلابی‌ها را سرکوب نماید. لذا عناوین بزرگ روزنامه‌ها صبح و عصر به دادن وعده‌های رفاهی و انحرافی که حتی بعضی از این وعده‌ها در کوتاه‌مدت هم اجرایی نبود و احتیاج به زمان داشت، اختصاص پیدا کرد. مطبوعات با عجله و شتاب خاصی سعی می‌کردند انقلابی‌ها را با دادن رشوه و وعده و وعید آرام کنند، ولی دیگر دیر شده بود. کشتار ۱۷ شهریور (جمعه سیاه) پوچی و بی‌پایه بودن این وعده‌ها را بیشتر برای مردم ثابت کرد. ولی روزنامه‌ها هم چنان از این طریق سعی در تثبیت نظام شاهنشاهی را داشتند (فوکو، ۱۳۷۷: ۵۶).

۷.۲.۲ بازتاب تظاهرات در روزنامه‌ها و اخبار مربوط به آن

یکی از حیل‌های مورد استفاده مطبوعات به این شکل بود که با متهاجم و مسلح معرفی کردن انقلابی‌ها سعی داشتند عمل ضد مردمی ارتش شاه را که به روی مردم بی‌دفاع آتش می‌گشود، موجه جلوه دهند و بر حقانیت مردم صحه گذارند و یا عملیات مسلحانه هر دو گروه را در یک حد جلوه دهند. نشریات در قبال اخبار انقلابی‌ها به جهت اینکه به اصطلاح رعایت کامل آزادی و مساوات را کرده باشند، گاهی صفحات و عناوین خود را به تظاهرات موافقان رژیم شاهنشاهی اختصاص دهند و آن‌ها را در مقابل انقلابی‌ها به‌عنوان سدی از مردم جلوه می‌دادند، درحالی‌که جریان اوج‌گیری تظاهرات بر همه آشکار شده بود، سرانجام، روزنامه‌ها نیز به درج اخبار تظاهرات پرداختند (برای پیشگیری از غیرمردمی شناخته‌شدن و الزاماً پایین‌آمدن شمارگان). اغلب روزنامه‌ها تعداد افراد شرکت‌کننده در تظاهرات و تعداد شهدا را کمتر از واقع درج می‌کردند. نکته‌ی دیگری که در مطبوعات آن زمان قابل بررسی است، بزرگ کردن و پرداختن به آتش‌سوزی‌ها و تخریب‌هایی است که توسط ضد انقلابی‌ها صورت می‌گرفت تا بدین وسیله آن‌ها را آشوب‌طلب معرفی کنند و در ضمن زمینه‌ای برای روی کارآمدن دولت نظامی از هاری در اذهان فراهم شود (زیباکلام، ۱۳۷۲: ۳۵).

۸. ۲. ۲. القای ترس و نگرانی از ادامه تظاهرات

مطبوعات در ادامه تلاش پیشگیری که برای دلگرم کردن مردم نسبت به وضع موجود (دولت شریف امامی و آزادی‌های داده‌شده) انجام می‌دادند، به روش جدیدی متوسل شدند و در ترساندن مردم از موضع و پیروزی انقلاب اسلامی تلاش داشتند که این ترساندن با شیوه‌های متفاوتی صورت می‌گرفت؛ در برخی مواضع با هشدارها و اعلام خطرهای مبهم، این فکر را به مردم القا می‌کردند، که در صورت سرنگونی رژیم وضع بدتر می‌شود و کشور از دست می‌رود.

۹. ۲. ۲. تطهیر نظام سلطنتی و خاندان پهلوی

زمانی که در تمام تظاهرات، شعارهایی توسط مردم ضد نظام سلطنتی و شخص شاه داده می‌شد و مردم بارها انزجار و تنفر خود را از رژیم ابراز کرده بودند، روزنامه‌های وابسته به رژیم پرداخته و خاندان سلطنتی، به‌ویژه شخص شاه را مردم‌دوست و مسلمان و مطیع فرامین الهی معرفی کنند و نظام سلطنتی را مشروع جلوه دهند.

۱۰. ۲. ۲. جعل، تحریف و سانسور اخبار مربوط به امام و القای شبهه سازش با امام

الف. جعل، تحریف و سانسور اخبار مربوط به امام: یکی از برخوردهای مطبوعاتی با اخبار امام، بزرگ کردن آن خبرها بود که البته به دلیل استقبال شدید مردم از آگاه شدن به احوال امام صورت می‌گرفت. نشریات در کاربرد این شیوه با دقت مراقب بودند که به خط وابستگی خود لطمه‌ای نزنند. به همین دلیل به آن سری از اخبار که هیچ پیامی را در بر نداشت، پرداختند و با بزرگ کردن خبرهای بی‌خاصیت به سانسور و پوشاندن اخبار مهم‌تر می‌پرداختند، تا هم نیاز مردم رفع شود و هم آن‌ها به اربابان خود خیانت نکرده باشند. یکی از اهدافی که توسط مطبوعات با درج اخبار امام دنبال می‌شد، وابسته، قدرت‌طلب و... معرفی کردن امام بود که الزاماً در اذهان مردم نسبت به حاکمیت آینده ایجاد ترس و نگرانی می‌کرد (محمدی، ۱۳۶۰: ۵۳).

ب. القای شبهه سازش با امام: در این دوران به علت علاقه خاصی که مردم برای آگاهی از وضع امام به روزنامه‌ها نشان می‌دادند، جراید در این جهت به فعالیت وسیعی دست زدند و در ضمن جوسازی و القای بعضی افکار انحرافی از قبیل اینکه "امام بیمار شدند"، "امام به یکی از کشورهای اسلامی سفر می‌کنند"، یا "امام به کشمیر مسافرت می‌کنند". دولت فرانسه به ایشان اجازه فعالیت سیاسی نمی‌دهد، نیز توسط جراید ادامه داشت. خط کلی این‌گونه اخبار در روزنامه‌ها در این جهت بود که وانمود شود در پشت پرده رژیم مشغول مذاکره و سازش با امام است. در نتیجه مردم را دلسرد کنند و از خیابان‌ها به خانه‌ها و محل کار خود بازگردانند و اوضاع قابل کنترل است.

۲.۲.۱۱. تلاش در تثبیت دولت شریف امامی

هم‌زمان با وظایفی که در جهت تسلط مجدد حاکمیت طاغوت بر عهده مطبوعات گذاشته شده بود، مطبوعات با ظرافت خاص ضمن اینکه از دولت انتقادهای جدی و سختی می‌کردند، در لابه‌لای عناوین و مقالات سعی در تطهیر و تثبیت دولت شریف امامی داشتند، آن‌ها با منصوب کردن شریف امامی از جانب پدر و مادر به روحانیت و مشروع و قانونی جلوه دادن دوران وی سعی در تثبیت دولت وی را داشتند.

۲.۳. مطبوعات در دورهٔ ازهاری و بختیار

در دورهٔ ازهاری اعتصاب معروف مطبوعات شروع شد و تا روی کار آمدن بختیار ادامه یافت. همهٔ مطبوعات مهم در این اعتصاب شرکت کردند و تنها نشریاتی نظیر فردوسی، سپید و سیاه، خواندنی‌ها، و... به اعتصاب نپیوستند. مواضع این قبیل نشریات در این زمان در برابر جریانات و اتفاقات داخلی بدین قرار بوده است:

۲.۳.۱. طرح خطوط انحرافی وعده کردن نقش گروه‌ها و شخصیت‌های غیراسلامی

به موازات بزرگ کردن جریان جبههٔ ملی توسط مطبوعات و دادن نقش اصلی و تعیین‌کننده به آن روزنامه‌ها همچون به بزرگ کردن برخی گروهک‌ها، جمعیت‌ها و شخصیت‌هایی پرداختند که هر روز با انتشار یک اعلامیه پررونق‌تر می‌شدند تا اگر جبهه ملی در ایفای نقش خود کوتاهی نمود، یکی از این گروهک‌ها به‌عنوان عامل بازدارنده، حرکات این جبهه را در جهت منافع ارباب کنترل کنند و یا اگر جبههٔ ملی شکست خورد، یکی از این گروهک‌ها که از همه شناخته‌شده‌تر و در اذهان آشنا تر بود، نقش او را بازی کند و به هر حال، برندهٔ اصلی و کارگران این بازی آمریکا بود. در بررسی عناوین مطبوعات این نتیجه گرفته می‌شود که کمترین توجهی که صورت گرفته بود، مربوط به مسائل انقلاب اسلامی می‌شد؛ همچون اعلامیه‌های امام و شعارهای اصلی مردم در راه‌پیمایی‌ها و از همه مهم‌تر، نقش روحانیت در انقلاب اسلامی. دست‌اندرکاران مطبوعات راه خود را می‌روند و در لابه‌لای سطور روزنامه‌ها به‌زعم خود سرنوشت انقلاب را تعیین می‌کنند. از قول مردم سخنگو می‌شدند، برای انقلاب اسلامی رهبر، دولت و کابینه تعیین می‌کنند، آن‌ها به هر جریانی و هر شخصیتی توسل پیدا می‌کردند تا بتوانند آن را در برابر امام و جریان اصلی انقلاب علم کرده باشند (تاجیک، ۱۳۷۸: ۲۳). شاید بتوان گفت در آن زمان ۹۹/۸ درصد ظرفیت و امکانات تبلیغاتی کشور در دست ۰/۲ درصد از افراد این کشور قرار داشت و بیشتر مردم از کوچک‌ترین امکانات مطبوعاتی نیز برای رساندن اخبار و گفته‌های خود به یکدیگر محروم بودند. به‌رغم تمام این طراحی‌های سیاسی و تعیین تکلیف و خط‌مشی و ساختن رهبر و شخصیت برای انقلاب اسلامی که در مطبوعات و جراید آن زمان متداول شده بود، مساجد به‌عنوان پایگاه اصلی و مراکز طراحی سیاست انقلاب اسلامی که در مطبوعات و جراید آن زمان متداول شده بود، مساجد به‌عنوان پایگاه اصلی و مراکز طراحی

سیاست انقلاب اسلامی و مرکز اطلاعات و تبادل اخبار و بسیج مردم و ارتباط با رهبران انقلاب اسلامی همچنان بدون کمترین توجهی به حیل‌های اهل تزویر در مطبوعات به کار خود ادامه می‌دادند و ظرف ۲۴ ساعت دستورالعمل‌ها و اطلاعیه‌های رهبر انقلاب را از پاریس به اقصی نقاط کشور انتقال می‌دادند؛ در واقع، مساجد به مراکز ثقل انقلاب تبدیل شده بود (اداره کل مطبوعات و نشریات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱: ۱۳۴).

۲.۳.۲. تجزیه رهبری

پذیرفتن رهبری بدون رقیب امام، در انقلاب اسلامی از سوی مطبوعات به کندی و با اکره انجام می‌شد. آن‌ها از هر وسیله‌ای برای تجزیه رهبری و در نتیجه، ایجاد اختلاف و تفرقه در صفوف متحد و یکپارچه مردم سود می‌بردند. این مسئله درست صحت عمل و صداقت و خلوص رهبر انقلاب اسلامی را تأیید می‌کرد؛ زیرا عدم استقبال مطبوعات وابسته رژیم پهلوی از امام چندان تعجبی نداشت بلکه بر عکس، اگر از امام تجلیل می‌کردند، جای شگفتی بود و همین موضوع، یعنی عدم استقبال مطبوعات از رهبری امام، مردم را در صحت انتخابی که کرده بودند، مطمئن‌تر می‌ساخت. ولی مطبوعات با حیل جدید سعی در تجزیه رهبری کردند و با مشارکت دادن دیگران در هدایت رهبری توده‌های مردم می‌خواستند امام را تضعیف کنند.

۲.۳.۳. حذف، تحریف شعارها و نفی اسلامیت انقلاب

وحشت آمریکا از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و در نتیجه، سرایت آن به کشورهای مسلمان منطقه، برای کسی قابل تردید نیست. آن‌ها انقلاب ما را یک انقلاب ملی که ناشی از شرایط خاص اجتماعی ایران بود، قلمداد می‌کردند تا دست‌کم، بتوانند از نفوذ آن به سایر کشورهای منطقه جلوگیری کنند. لذا گفته می‌شد که ایرانی‌ها ضد ظلم و استبداد قیام کردند و رژیم شاه را سرنگون و رژیم دلخواه خود را روی کار آوردند. ولی صفت اسلامی برای انقلاب و اینکه امام در تمام صحبت‌ها، اعلامیه‌ها و نوشته‌های خود همواره اسلام را یادآوری کرده و از اسلام صحبت می‌کردند، برای استعمار و وابستگان داخلی آن قابل تحمل نبود؛ زیرا به زودی مردم مسلمان منطقه این حقیقت را درمی‌یافتند که مسلمانان ایران طالب استقرار یک نظام سیاسی بر اساس اسلام هستند و این مسئله، یعنی احیای فکر اسلام برای ابرقدرت‌ها به‌ویژه، آمریکا که در خاورمیانه دارای منافع حیاتی است، به‌منزله یک انفجار و یک فاجعه به شمار می‌آمد. مطبوعات رسمی یا نیمه‌رسمی آمریکا و... به این اتهام توهین‌آمیز سخت چسبیده‌اند که مخالفان رژیم شاه متعصبان مذهبی کهنه‌پرست و مرتجع هستند که از اصلاحات ترقی‌خواهانه و بلندپروازانه شاه ایران خشمگین شده‌اند.... همچنین این نتیجه‌گیری ناصحیح، همان چیزی است که رژیم شاه از چند ماه پیش دستاویز جنایات بی‌امان و بی‌حساب خود قرار داده و بر همان اساس، برنامه تبلیغاتی ضد انقلابی خود را تنظیم و اجرا کرده است. برنامه‌ای که با به آتش کشیدن سینمای آبادان آغاز شد و تخریب و آتش زدن سینماها و بانک‌ها و مشروب‌فروشی‌ها و دیگر مظاهر

مغرب‌زمین در همه شهرها به‌طور مداوم و یکنواخت ادامه یافت. دشمنان انقلاب اسلامی و امام به‌دلیل ماهیت ارتجاعی خود همواره سعی داشتند انقلاب اسلامی و رهبری را به یکی از دو ابرقدرت وابسته نشان دهند. همه جوسازی‌ها و تلاش‌ها بر این اساس بود که بگویند امام با یکی از دولت‌های خارجی در ارتباط و تماس هستند تا از اعتبار ایشان در میان مردم کاسته شود و انقلابی‌ها را دلسرد و منفعل نمایند (بروجردی، ۱۳۷۷: ۱۰۴). طبیعی است که این توطئه هم مانند سایر حیل‌ها کمترین اثری در مردم نگذاشت بلکه بر عکس به علاقه و ارادات مردم نسبت به امام افزود و مردم را در ادامه راهی که در آن قدم گذاشته بودند، مصمم‌تر و استوارتر کرد.

۴.۳.۲. تلاش در جهت استقرار دولت بختیار

الف. تبلیغ درباره وعده‌های دولت بختیار: مطبوعات در این دوره برای تطهیر دولت بختیار، به دسیسه دیگری دست زدند و به تبلیغات فراوانی در مورد وعده‌هایی که از سوی دولت، در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... داده می‌شد، پرداختند که در رأس آن‌ها، تبلیغاتی در زمینه اصلاحات سیاسی دولت بود که برای دلگرم کردن مردم صورت می‌گرفت؛ به‌هرحال، از هر حیل‌ای برای مردمی جلوه دادن دولت استفاده می‌کردند.

ب. تثبیت حاکمیت بختیار: پس از روی کار آمدن دولت بختیار، جامعه مطبوعات و به‌ویژه نشریاتی که از توصیف چندساله به در آمده و حتی نشریاتی که برد اجتماعی چندانی نداشتند، تبلیغ برای دولت جدید و به‌ویژه شخص بختیار را شروع کردند و آن را جزو وظایف خود می‌دانستند. نخستین و مهم‌ترین گام که در این جهت برداشته شد، به جدا کردن دولت و شخص بختیار از دولت گذشته مربوط است که در نهایت، به تطهیر دولت جدید می‌انجامید.

ج. هماهنگ نشان‌دادن بختیار و روحانیت: تبلیغ دیگر مطبوعات در این زمینه، به هماهنگ جلوه دادن افکار بختیار و روحانیت مربوط می‌شود؛ به‌ویژه، در مورد رهبری انقلاب "امام خمینی (ره)" سعی می‌شد خواسته‌های بختیار با نظارت ایشان هماهنگ نشان داده شود.

۵.۳.۲. القای رعب و وحشت از کودتا

پخش شایعه کودتا توسط مطبوعات، از نظر رژیم می‌توانست دو خاصیت مهم داشته باشد: اول، بین مردم و انقلابی‌ها رعب و وحشت ایجاد کنند که منتهی به اختلاف و کشمکش و سرانجام، عقب‌نشینی می‌شد؛ دوم، شایعه باعث تقویت روحیه طرفداران رژیم و انسجام بیشتر صفوف پراکنده و ازهم‌گسیخته آنان می‌شد. عمال رژیم با طرح جدی این شایعه در اذهان مردم می‌توانستند برای مدتی حرکت مردم را متوقف کند تا فرصتی برای انجام کودتایی دقیق و برنامه‌ریزی شده به دست آورند. به عبارت دیگر، پخش شایعه کودتا خود زمینه‌سازی برای اجرای نقشه کودتا بوده است (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۳۳).

۶. ۳. ۲. القای وحشت از جنگ داخلی و تجزیه کشور

پس از شکسته شدن بت دولت از هاری که بلافاصله پس از روی کار آمدن وی، توسط اوجگیری تظاهرات مردم صورت گرفت، درگیری‌های بین مردم و عوامل رژیم نیز شدت یافت. حوادث اخیر موجب شد که از سوی نشریات جبهه دیگری در قبال انقلاب اسلامی گشوده شود که این بار به تشکیل جبهه‌ای روانی، برای ترساندن مردم از تجزیه و جنگ داخلی پرداختند. البته پیشامدهای احتمالی، این حوادث انتزاعی را ناشی از عملکرد و حرکت مردم و رهبری انقلاب اسلامی جلوه می‌دادند. این روش بیشتر مورد استفاده نشریات دست دوم، نه روزنامه‌های کثیرالانتشار، قرار گرفته بود.

۷. ۳. ۲. بازتاب تظاهرات در مطبوعات

نشریات که از روزهای نخست حرکت انقلابی مردم، در سانسور کردن وقایع مربوط به تظاهرات و تحریف حقایق امتحان خوبی داده بودند، با اوج‌گیری درگیری‌های مردم و ارتش، در اواخر دوره از هاری و سپس، در زمان بختیار، همچنان به روش قبلی خود ادامه داده و هنگام درج اخبار تظاهرات و به خون کشیده شدن مردم کمتر خبری از تظاهرات دیده می‌شود که در آن نشانی از عناصر حمله‌کننده به مردم وجود داشته باشد و همچنین، کمتر عنوان و مطلبی در صفحه اول دیده می‌شود که اشاره مستقیم به تیراندازی مأموران حکومت نظامی به سوی مردم داشته باشد، این‌گونه برخورد با تظاهرات بر حق مردم در حالی صورت می‌گرفت که تظاهرات وابستگان رژیم، در حمایت از قانون اساسی مورد لطف مطبوعات قرار گرفتند و حتی تظاهرات اندک آن‌ها، به تظاهرات وسیع تعبیر می‌شد.

۸. ۳. ۲. بزرگ نشان دادن نقش گروه‌های سیاسی در برابر انقلاب اسلامی

در روزهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حرکت عظیم و میلیونی مردم ضد نظام پوسیده سلطنتی به صورت چشمگیر و بی سابقه‌ای تداوم داشت. مردم منتظر اعلامیه‌ها و دستورالعمل‌های امام خود بودند و به محض دریافت دستور از طرف رهبر، همه مردم در اقصی نقاط کشور به صورت متحد و یکپارچه عمل می‌کردند. در این بین، گروه‌های سیاسی مختلف و به‌ویژه، گروه‌های چپ که همیشه داعیه پیشگامی و پیشتازی توده‌ها را داشتند و فکر رهبری نهضت را در سر می‌پروراندند، برای اینکه در پیروزی انقلاب اسلامی خود را سهم نشان بدهند و بعد بتوانند ادعای قیمومیت و متولی‌گری مردم انقلاب اسلامی را بکنند، شروع به برگزاری راه‌پیمایی‌های اختصاصی کردند تا خود را در جامعه مطرح نمایند و بدین وسیله، سهمی در انقلاب برای خود قائل شوند (روبین، ۱۳۶۳: ۹۴). لذا هر روز مردم شاهد تظاهرات چند صد نفری گروهی تحت نام و شعار یک حزب یا سازمان تازه تأسیس بودند. رژیم هم از این موقعیت غافل نبود. افرادی را برای برهم زدن این‌گونه مراسم مأمور می‌کرد (شیخ فرشی، ۵۹: ۱۳۷۹). ولی نکته‌ای که جالب توجه است، موضع‌گیری این گروه‌ها در قبال این صحنه‌سازی‌های رژیم بود. هرکس با کمترین بینش

سیاسی می‌توانست در آن موقعیت حساس این حدس را بزند که رژیم با لطایف‌الحیل سعی می‌کند بین مردم جدایی اندازد و یا وانمود کند که بین مردم اختلاف وجود دارد.

نتیجه‌گیری

مطبوعات تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در دو حالت به سر می‌بردند:

۱. سانسور اخبار و اطلاعات و جعل آن؛

۲. تعطیلی و توقف کوتاه‌مدت و یا درازمدت.

می‌توان این‌گونه استنباط کرد که آن‌ها جزئی از ارکان دولت بودند که بنا به خواست و تمایل دولت شاهنشاهی مدتی تعطیل و یا اینکه به آزادی می‌رسیدند و زمانی که کارشان رونق می‌گرفت، رویدادهایی را منعکس می‌کردند که در جهت عظمت و شکوه خاندان پهلوی و اقدامات آن‌ها صورت می‌گرفت. سال‌های ۵۶ و ۵۷ که اوج نهضت انقلابی مردم ایران به رهبری امام خمینی بود، مطبوعات که پس از یک دوره تعطیلی، به آزادی رسیده بودند، به‌ویژه دوره شریف امامی، ازهاراری و بختیار در جعل حوادث و اخبار و منفی جلوه دادن اقدامات انقلابی و بزرگ کردن اهداف رژیم پهلوی کوشا شدند، نقش مطبوعات وابسته در این برهه افزون‌تر است. با تعطیلی مطبوعات در دوره ازهاراری و با روی کار آمدن بختیار و با رونق کار انقلابی‌ها، مطبوعات نقش تهاجمی‌تری نسبت به مردم ایفا کردند. اما می‌توان به‌طور کلی در بحبویه انقلاب اسلامی و در فاصله زمانی شهریور ۵۷ تا انقلاب اسلامی و حتی تا شهریور ۵۸ مطبوعات ایران را در سه گروه تقسیم‌بندی کرد:

۱. مطبوعات و نشریات وابسته به لژهای ماسونری و فراماسونری هوادار سلطنت (اعم از روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌ها) که بدون استثنا توسط برخی نمایندگان دومجلس سنا و شورای ملی و کارگزاران وابسته به حزب رستاخیز و عناصر مرتبط با سلطه استعمار اداره می‌شدند و هدفشان از ابتدای انتشار، دور نگه داشتن مردم، به‌ویژه جوانان از مسائل سیاسی و تهی کردن آنان از ملکات فاضله انسانی و در یک کلام، دامن زدن هرچه بیشتر به از خود بیگانگی در میان اقشار بالنده جامعه ایران به‌ویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و پس از قیام خونبار ۱۳۴۲ بود. نشریاتی همچون تهران‌مصور، سپید و سیاه، اطلاعات بانوان، امید ایران و... روزنامه‌های خبری، نظیر کیهان، رستاخیز، اطلاعات، پیغام امروز و آیندگان هم که معجونی از جریان‌های مختلف بودند، در این دسته قرار می‌گرفتند.

۲. نشریات ارگان احزاب و گروه‌های سیاسی چپ، از این دسته از مطبوعات را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

الف. نشریات مارکسیستی متمایل به حزب توده ایران، نظریه روزنامه مردم، آذرخش (ارگان دانش‌آموزان دموکرات)، آرمان (ارگان دانشجویان دموکرات)، ماهنامه دنیا (نشریه

تئوریک)... که از آبشخور مسکو و حزب کونیست اتحاد جماهیر شوروی سابق سیراب می‌شدند.

ب. چپ‌های مائوئیست مانند نشریه حقیقت (ارگان مرکزی اتحادیه کمونیست‌های ایران)، رنجبر (ارگان سازمان انقلابی)، طوفان (ارگان حزب کمونیست کارگران ایران) و... این نشریات مائوئیسی ساخته و پرداختهٔ محافل غرب و نفوذ ساواکی‌ها در آن بود.

ج. چپ‌نماهای افراطی یا چپ‌های آمریکایی، نظیر نشریهٔ کارگر (ارگان حزب کارگران سوسیالیست)، پیکار (ارگان سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر)، آزادی (ارگان جبههٔ دموکراتیک ملی)، کتاب جمعه، هفته‌نامه‌های ایران، اندیشه آزاد (ارگان کانون نویسندگان ایران)، جمهوری و... که عمدتاً این دسته از نشریات پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی فعالیت خود را آغاز کردند.

د. نشریات ارگان گروهک‌های التقاطی مانند نشریهٔ مجاهد و پیام خلق (ارگان سازمان مجاهدین خلق)، امت (ارگان جنبش مسلمانان مبارز)، آرمان مستضعفین (ارگان گروهک فرقان) که هنوز ماهیت واقعی خود را نشان نداده بودند. در بدنهٔ این نشریات، برخی طیف‌های مذهبی که با الهام از حرکت انقلاب به رهبری امام خمینی (ره) در صحنهٔ سیاسی جذب شده بودند، به فعالیت مشغول بودند.

۳. جراید و نشریات گروه‌های ملی یا مذهبی مانند پیام جبههٔ ملی (ارگان جبههٔ ملی ایران)، هفته‌نامهٔ جنبش، آرمان ملت، مردم ایران (ارگان جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران "جاما"). ذکر این نکته ضروری است که عناصر مذهبی اصیل و انقلابی در دوران اقتدار رژیم پهلوی عمدتاً اجازهٔ انتشار نشریه نداشتند و به‌ندرت می‌توانستند مقالات خود را در هفته‌نامه‌ها و روزنامه‌ها و یا در گاهنامه‌ها و ماهنامه‌ها و عمدتاً به‌صورت کتاب و اعلامیه منتشر می‌کردند که این نشریات هم اغلب و به‌اجبار محدود به تبلیغ مباحث دینی و عمدتاً غیرسیاسی بود.

منابع

- آبراهامیان، یرواند. *ایران بین دو انقلاب*، ترجمهٔ احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، نشر نی، ۱۳۷۷.
- اداره کل مطبوعات و نشریات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. *نگرشی بر نقش مطبوعات وابسته در روند انقلاب اسلامی ایران*، زیر نظر ستاد برگزاری مراسم دههٔ فجر انقلاب اسلامی، جلد اول، ۱۳۶۱.
- استمپل جان، دی. *درون انقلاب ایران*، ترجمهٔ دکتر منوچهر شجاعی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
- بدیعی، مینو. "مسائل مدیریتی و آموزشی مطبوعات ایران"، پژوهش‌نامه تاریخ مطبوعات ایران، شماره اول، برزین، مسعود. *شناسنامه مطبوعات ایران*، انتشارات بهجت، ۱۳۷۱.
- بروجردی، مهرزاد. *روشنفکران ایرانی و غرب*، ترجمهٔ جمشید شیرازی، فروزان، ۱۳۷۷.
- تاجیک، محمدرضا. "عبیرت و هویت، شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران"، پژوهش‌نامه متین، سال اول، شماره اول، ۱۳۷۸.

- تزو، سن. هنر جنگ، ترجمه حسن حبیبی، انتشارات قلم، ۱۳۶۴.
- دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان. نیمه پنهان ۱۷ (مطبوعات و انقلاب ۱)، نگاهی به عملکرد مطبوعات ماسونی در انقلاب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
- رجبی، محمدحسن. زندگینامه سیاسی امام خمینی (ره)، مرکز نشر اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- روبین، باری. جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه محمود مشرفی، انتشارات آشتیانی، ۱۳۶۳.
- زیباکلام، صادق. مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، انتشارات روزنه، ۱۳۷۲.
- شیخ فرشی، فرهاد. تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعه در پیدایش انقلاب اسلامی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
- عاقلی، باقر. نخست‌وزیر ایران از مشیرالدوله تا بختیار، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۸.
- عمیدزنجانی، عباسعلی. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، نشر کتاب، ۱۳۶۵.
- فون، جان. مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، انتشارات رساء، چاپ دهم، ۱۳۸۹.
- فوکو، میشل. ایرانیان چه رؤیایی در سر دارند؟، ترجمه معصومی همدانی، نشر هرمس، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- فوکو، میشل. ایران روح یک جهان بی‌روح، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- کسمایی، علی‌اکبر. "روزگار و روزنامه‌نگار"، روزنامه اطلاعات، ش ۵، ۱۳۷۰.
- کازوروسکی، مارک جی. سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی، نشر مرکز، ۱۳۷۱.
- کلر، بریویلانسه، ایران، انقلاب به نام خدا، ترجمه قاسم صفوی، سحاب کتاب، ۱۳۵۸.
- اللهیاری، احمد. روایت سانسور؛ یادداشت یک خبرنگار درباره سانسور و ممیزی در عصر پهلوی، انتشارات کیهان، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- مالرو، آندرو. ضد خاطرات، ابوالحسن نجفی و رضا سید حسینی، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۵.
- محمدی، منوچهر. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، امیرکبیر، ۱۳۶۰.
- محمدی، یدالله. انقلاب اسلامی، برداشت‌ها و رویکردهای مختلف، فصلنامه مصباح، سال پنجم، ش ۲۰، ۱۳۷۵.
- محمدی، یدالله. الگوهای بی‌بدیل مبارزاتی امام خمینی (ره) در مبارزه با رژیم سلطنتی پهلوی، فصلنامه مصباح، نامه پایداری، مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری، کرمان ۱۳۸۴، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۸۷.
- محمدی، یدالله. انقلاب اسلامی و نقش تاریخ‌ساز امام خمینی (ره) در تولید قدرت نرم، در حجت‌الله مرادی، قدرت و جنگ نرم؛ از نظریه تا عمل، نشر ساقی، ۱۳۸۸.
- مدنی، جلال‌الدین. تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۱.
- هویدا، فریدون. سقوط شاه، ح. ۱. مهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۶.